چرا می خواهید پولدار شوید؟!

ساختار طبیعت یا هر چی، به هر حال برای مردها از ابتدا برنامه ریزی شده است که باید روزی روزگاری وارد بازار کار بشوند و پول در بیاورند و بالاخره بازوی اقتصادی باشند و چرخ زندگی را با هر زور و زحمتی بچرخانند.

برای همین است که همه پسرها از بدو تولد زور زورکی هوش و ذکاوت اقتصادی دارند و قطعا خیلی خوب دو را با دو جمع می کنند به طوری که نتیجه اش خیلی خاص تر و خالص تر از نتیجه دخترانه است و از همان زمان به صرف پسر بودنشان باید رشته های فنی و مهندسی و ریاضی را بخوانند یا در آینده اگر نمی توانند فرد مفیدی برای جامعه شوند، حداقل چند تومانی از رشته شان به دست بیاورند و دستشان را از جیب پدر بیرون بکشند.

این جبر خوب است یا بد، بگذارید خودشان در موردش قضاوت کنند، اما من می گویم خیلی هم خوب نیست، آنها حتی فرصت انتخاب ندارند، حداقل همه شان این فرصت را برای خودشان ایجاد نمی کنند. آنها قبول می کنند که همان وقت که شتر جنسیت موقع ورز دادن گل شان کنارشان نشسته، راه شان را مشخص کرده است و حالا باید مانند یک ساربان خوب، این شتر را یک جایی ببرند و بنشانند. برای همین خیلی‌هایشان همین قدر که کاری داشته باشند، پولی به دست بیاورند و به هر حال دستی در جیب خود داشته باشند، عالی است، حالا هر چقدر پول و کار چرب‌تر و بهتر باشد، چه کسی بدش می آید؟

یک شانس بزرگ تر است. حالا آنهایی که بهترین شغل دنیا، یعنی پدر پول دار را دارند، یا رگ هایی دارند که می گوید این شغل و درآمد در شأن تو نیست، باید بیشتر به دست بیاوری، جدا از خیل عظیم و عمومی مردان هستند. اما در ذات شان، مردها به دلیل همان جبر طبیعی چندان مختار نیستند، این هوش اقتصادی زورکی، به ضررشان تمام شده، حداقل برای بیدار کردن قدرت مال خواهی شان.

اما زن ها، همین که این جبر را ندارند، انگار فرصت بیشتری برای تلاش اقتصادی دارند. یعنی فرصت طلایی برای آن که به پول به عنوان یک ارزش نگاه کنند نه فقط رفع نیاز و تلاش کردن، منظور از تلاش، کار کردن و چندرغاز درآمد داشتن نیست. منظور این نیست که حساب کنید چهار سال درس خواندید، دانشگاه آزاد رفتید، حالا به این در و آن در بزنید، به صد نفر رو بیاندازید، گزینش شرکت کنید، ۵۰ تا دروغ بگویید و اعتقادات عجیب و غریب برای خودتان بسازید تا بلکه استخدام شوید و بعد حساب کنید. اگر یک وام از اینجا بگیرید و به محض تمام شدن اقساطش وام دیگری جور کنید و ناهار و بستنی نخورید، سینما نروید، با همین یک دست لباس بسازید، می توانید پس اندازی داشته باشید. به هر حال، آدم بعد از ۵ سال یا ۱۰ سال کار کردن، باید یک باره خودی نشان بدهد. اگر جزو این دسته هستید، بعید می دانم خط خیلی مشخص و روشنی از مردها داشته باشید. حداقل آنها برای روز کار می کنند و نیم نگاهی هم به آینده دارند، شما که همه را گذاشته اید برای آینده، آن هم خیلی مورچه وار. نمی گویم بد است، اصلا نقدی ندارم، اما می گویم: «اینجا قرار است در مورد اقتصاد جنسیتی حرف بزنیم، یعنی زنان قدرت مند و پولدار. دقیقا «پولدار».

حالا که تکلیف مان را با هم مشخص کردیم، لطفا بیایید و تکلیف تان را با خودتان هم مشخص کنید. دیدگاهتان در مورد پول چیست؟ این دیدگاه خیلی مهم است، همین است که همه جنبه های مهم موفقیت‌های شما را مشخص می کند. دقیقا بگویید به چقدر پول احتیاج دارید؟ من دوستی دارم که یک رقم مشخصی را در هر شرایطی می‌گوید.

۱۰ سال پیش می گفت اگر ماهی ۵۰۰ هزار تومان پول به حسابم بیاید، خوشحال خواهم بود و الان یکی دو سال است که رقم سه میلیون تومان را برای خود تعیین کرده است. به اعتقاد او ماهی سه میلیون تومان رقمی است که به راحتی با آن می توان زندگی کرد، در عین حال نیازی نیست کار کنی و چشم به درآمد آخر ماه داشته باشی و مهم تر این که با این رقم می توان هم خرید کرد و هم سفر رفت.

رقم شما چقدر است؟ با چه میزان پول در ماه خوشحال خواهید بود؟ سفری که برای خودتان در نظر گرفته اید، چقدر هزینه دارد؟ یک سفر معمولی یا رویایی است؟ جواب این سوالات را بدهید، خیلی مهم است که بدانید کجای دنیای اقتصاد ایستاده اید. همان طور که به سوال قبلی فکر می کنید و رقم آن را مشخص می کنید، لطفا فکر کنید و بگویید برای به دست آوردن این میزان پولی که تعیین کردید، چقدر حاضرید از جان مایه بگذارید؟ دوست تاجری دارم که در جوانی بسیار خوش درخشیده و توانسته از نقطه ای به اصطلاح صفر، به جایگاه قابل قبولی دست پیدا کند.

حالا هرگاه دوستانش بخواهند از سخت کوشی او تعریف کنند و دلیل موفقیت های مالی اش را بیان کنند، اولین نکته ای که می گویند این است: «او برای ۶ ماه اصلا نخوابید.» و من در جواب می‌گویم: «اگر با شب نخوابیدن آدم پولدار می‌شود، من حسابی دستم در این آتش است، بگویید چند ماه نخوابم و ماهی چقدر درآمد خواهم داشت؟» من واقعا قصد تمسخر او را ندارم، اما لطفا شما هم تایید کنید که بعید است آدمی فقط با نخوابیدن تاجر خوبی شود و نان روغنی بخورد. برای همین می گویم: «برای پولدار شدن، چقدر می خواهید مایه بگذارید؟»

اما اصلی ترین سوالم، چرا می خواهید پولدار شوید؟ به دنبال آزادی هستید یا استقلال یا امنیت و یا پرستیژ اجتماعی؟ خیلی از کسانی که من با آنها مراوده داشته ام دلیل کار کردن و کسب درآمدشان را همین موارد ذکر کرده اند، اما راستش را بخواهید با کمتر زنی مواجه شده ام که بخواهد از طریق کار و تلاش ثروتمند شود، همه کار می‌کنند، اما کسی به ثروت فکر نمی کند. حداقل کمتر کسی است که به ثروت فکر کند. اما یک نکته را در نظر داشته باشید، پول هدف نیست، فقط یک ابزار است برای رسیدن به مقاصد مالی و اقتصادی که در زندگی برای خود تعریف کرده اید.

داشتن خودروی خوب، حساب بانکی پر از صفر، اسناد املاک یا سرمایه گذاری در بازارهای مختلف که می تواند صفرهای حساب شما را بیشتر کند. پس از همین ابتدا سنگ بنای خود را درست بگذارید و خوب جاگیرش کنید. شما قرار است به بالا بروید، حسابی برای خودتان نقطه اوج را در نظر بگیرید، حالا یک نردبان ارزشی برای خود بسازید. چرا پول می خواهید و چرا پول برایتان ارزشمند است؟ آزادی، امنیت، استقلال، خوشبختی، آرامش خاطر، احترام.

شاید ارزش های دیگری هم در ذهن داشته باشید، پس همه را بنویسید، بعد از آن هدف‌هایتان را دسته بندی کنید. هدف از کسب پول بیشتر این است که زندگی راحت تری داشته باشید، دوست دارید با پول، انتخاب بهتر و بیشتری برای ازدواج داشته باشید، می خواهید در فعالیت های خیرخواهانه اجتماعی مشارکت داشته باشید، یا هر هدف دیگری. اما به یاد داشته باشید، همه ارزش‌ها و اهداف مهم هستند و رسیدن به آنها بسیار اهمیت بیشتری دارد، فقط مراقب باشید دچار برخی اشتباهات نشوید.

* از همین حالا، به فکر روزگار پیری و کوری و درماندگی باشید. شما که غریبه نیستید، فردا روز هیچ کس دست کسی را نمی گیرد، پس حساب بازنشستگی خود را دریابید.

* این پول ارزشمند است، آن تفکر سیاه را که به پول کثیف می گفت و آن را چرک کف دست می دانست را کنار بگذارید، حتی بریزید دور، در چنین شرایطی پول ارزشمند و عزیز را به راحتی و برای اجناس بی ارزش هزینه نکنید.

* قبل از هر نوع سرمایه گذاری، خوب مطالعه و تحقیق کنید، در این میان حرف هایی می شنوید که «پولت چقدره؟ بده من، سودش را می دم»، هیچ توجهی نکنید، البته می توانید شنونده باشید، حتما کارهایی وجود دارد که شما را برحذر می‌دارند آن هم به خاطر زن بودنتان، شما دقت کنید ببینید سود و زیان شما در چیست، قطعا ارتباطی با زن و مرد ندارد، اقتصاد از آن دسته فعالیت هایی است که فقط آدم زرنگ می طلبد، پدر سوخته تر از آن است که دنبال جنسیت شما باشد. در کارهایی که امکان مشارکت وجود دارد، حتما این کار را انجام دهید.

* لطفا به اندازه کافی ریسک پذیر باشید، نه سر پرشوری داشته باشید که یک باره همه چیز را به باد بدهید و نه چنان باشید که گویی پول را در تشک و بالشت جمع کرده اید. شما به دنبال سود هستید، به این فکر نکنید که در جایی سرمایه‌گذاری کنید و شاید روزی سودی عاید شما شود و یا اگر سود هم نکنید، ضرر هم نمی کنید و در عوض اصل مالتان همچنان سر جایش است، این تفکرات برای شما که قصد ثروت مند شدن را دارید، نیست. شما قرار است سود کنید، پس به ارقام خوب دقت کنید.

چه طور با خستگی‌های بعد از زایمان کنار بیاییم؟

روزهای پس از تولد نوزاد ویژه، متفاوت و همراه با تغییر مهم و جدی در زندگی زناشویی‌تان است. این روزها فوق‌العاده و خاص هستند اما کمتر پدر و مادری است که بتواند ادعا کند با کمبود خواب و مراقبت دائمی از فرزندش کنار آمده است و هیچ مشکلی با آن ندارد و یا توانایی‌هایش محدود نشده است. برای اینکه بتوانید از این تجربه تازه بیشترین بهره را ببرید و با خستگی کنار بیایید این چند نکته را بخوانید.

هر روز را با انرژی شروع کنید

چطور ممکن است با وجود شب بیداری و خستگی روزتان را با انرژی شروع کنید؟ این پیشنهاد برایتان عجیب است اما منظور این است که صبح‌ها قبل از شروع هر فعالیتی یک دوش سریع بگیرید. آب به شما احساس آرامش می‌دهد. اگر بتوانید کمی در آب بنشینید در کم شدن احساس خستگی بسیار موثرتر است. با این حال یک دوش سریع هم جوابگوی خوبی به فشارهای شبانه است.

دیدارها را محدود کنید

با اینکه بچه تازه برای همه اطرافیانتان جالب و دیدنی است و شما هم از این تجربه تازه خوشحال هستید و می‌خواهید فرزندتان رابه دیگران نشان بدهید اما اگر واقعا خسته هستید بخشی از بازدیدهای روزانه و مهمانی‌ها و دیدارها را محدود کنید. همچنین می‌توانید این مهمانی‌ها را طوری مدیریت کنید که در زمان مشخص و معینی باشند. در این صورت انرژی بیشتری برای استراحت و مراقبت از خودتان ذخیره می‌کنید. بدون تعارف به دیگران بگویید که خسته هستید و از پس مهمانی و پذیرایی بر نمی‌آیید و یا نیاز به استراحت دارید. دوستان و اعضای خانواده هم باید متوجه شوند که شما برای بازگشت به زندگی عادی و روزمره نیاز به زمان دارید. این مساله را گاهی لازم است خودتان به اطرافیان گوشزد کنید.

درخواست کمک

درخواست و پذیرش کمک از دیگران برای بسیاری از پدر و مادرها کار ساده‌ای نیست. به ویژه برای کسانی که زندگی قاعده‌مند و مستقلی داشته‌اند؛ درخواست کمک از دیگران در واقع یک نوع ساختار شکنی به حساب می‌آید. چیزی که باید بدانید این است که این خستگی و فشار همیشگی نیست. بالاخره این هفته‌ها هم می‌گذرد و زندگی‌تان شکل و قاعده دلخواهتان را پیدا می‌کند. مغرور نباشید و اگر کاری از دست کسی بر می‌آید از درخواست کمک امتناع نکنید.

یک دوست عزیز یا یکی از والدین خودتان می‌تواند در مراقبت و نگهداری از کودک به شما کمک کند. کمتر کسی است که واقعا برایش امکان داشته باشد و درخواستتان را رد کند. همین کمک‌های ساده برای شما فرصتی برای خوابیدن، استراحت و پرداختن به نیازهای خودتان را فراهم می‌کند. البته واقعا در گرفتن کمک از دیگران هوشمندانه عمل کنید. چون گاهی یک نفر را به خانه می‌آورید تا همراهی‌تان کند اما بعد متوجه می‌شوید که در حال ارائه خدمات به او هم هستید. از کسی کمک بخواهید که می‌دانید اهل حمایت و کمک و همراهی است. ممکن است یک دوست بهتر از مادرتان در این شرایط کمک و همراه باشد.

این بچه دونفر است

سوال اساسی این است که چه کسی بیشترین تلاش را برای نگهداری از فرزند می‌کند در حالی که این فرزند دو نفر است؟ صرف نظر از اینکه مرد در ماه‌های اول در خارج از خانه کار می‌کند باید این نکته را در نظر بگیرد به همان اندازه زنی که به تازگی زایمان کرده نیاز به مراقبت و توجه دارد. اصلا اینطور نیست که بخواهید با این ادعا که در طول روز مشغول کار هستید و مادر وظیفه نگهداری از فرزند را دارد همسرتان را با بچه رها کنید.

یک راه مهم و درست برای اینکه هردوی شما از حضور فرزند تازه خوشحال باشید و از تغییرات تازه لذت ببرید این است که مسئولیت‌تان را بپذیرید. اگر همسرتان شب‌ها به بچه شیر می‌دهد شما پوشک را عوض کنید. اگر یک نفر بچه را به حمام می برد دیگری باید لباس‌هایش را آماده کند. شام را با هم آماده کنید و برای اینکه هیچ کس خسته نشود شب بیداری‌ها را با هم تقسیم کنید. در عین حال یاد بگیرید بدون انتقاد به عملکرد دیگری، حامی و همراه باشید. تا جایی که می‌شود به نیازهای هم آگاهانه واکنش نشان بدهید و این نکته را به خودتان یادآوری کنید که این فرزند دونفر است.

یک چرت نیمروزی نیاز شماست

هیچ نوزادی نیست که تمام شبانه روز بیدار بماند. بیشتر نوزادان ساعت‌های زیادی از شبانه روز را خواب هستند. این فرصت مناسبی است که شما هم بیشتر استراحت کنید. خیلی از والدین می‌گویند وقتی نوزادشان خواب است تازه می‌توانند به کارهای عقب افتاده برسند. درست است که شما باید به کارهای دیگر برسید اما کمی استراحت یا یک چرت نیم روزی ۲۰ دقیقه‌ای هیچ تاثیر بدی در روند انجام کارهایتان نمی‌گذارد و چه بسا به شما انرژی و توان بیشتری برای ادامه روز بدهد. علاوه بر این خوب است که برداشت‌تان را از مراقبت کمی تغییر بدهید. حتی زمانی که به بچه شیر می‌دهید و یا او را در آغوش گرفته‌اید تا بخوابد نیز فرصتی برای استراحت شماست. اگر بچه بی قراری و گریه نمی‌کند و شما نشسته‌اید واو را می‌خوابانید این را فرصتی برای استراحت خودتان بدانید.

ایده‌آل را رها کنید

اگر همیشه زندگی‌تان روی اصول و برنامه پیش می‌رفته، همیشه همه چیز مرتب بوده، خانه و غذایتان به راه بوده و می‌توانستید بین چندین کار به راحتی تعادل برقرار کنید. نباید چنین انتظاری را در شرایط تازه نیز داشته باشید. البته حتی وقتی کودکتان بیمار و نیازمند مراقبت‌های ویژه نیست شما می‌توانید در یک برنامه قابل انعطاف بسیاری از امور زندگی‌تان را بدون مشکل پیش ببرید. این مساله به مهارت شما به کنترل شرایط نیز بر می‌گردد.

با این حال اگر نمی توانید مثل همیشه همه چیز را در نظم مورد علاقه خودتان نگه دارید اصلا مهم نیست و آن را جدی نگیرید. برای مدت کوتاهی شما ممکن است نتوانید با معیارهای مورد علاقه خودتان زندگی را اداره کنید. چیزی که مهم است مراقبت و نگهداری از کودکی است که همه نیازهایش معطوف به شماست. همین که بتوانید بهترین مراقبت را از کودکتان بکنید و بقیه چیزها را در درجه دوم اهمیت قرار بدهید باعث می‌شود کمتر دچار فشار و خستگی شوید.

از سویی شاید برایتان افسرده کننده و ناامید کننده به نظر برسد که چطور قبل از این می‌توانستید کارهای مهم‌تری را پیش ببرید و حالا یک بچه توانایی‌هایتان را محدود کرده است. این طرز فکر افرادی است که ایده‌آل گرا هستند. اما این یک مقایسه اشتباه است. چون مساله اینجاست که تا پیش از این شما بر اساس برنامه‌ها و زمان‌بندی‌های خودتان پیش می‌رفتید اما اکنون این یک کودک است که برنامه‌های شما را تعیین می‌کند. سهل گیر باشید و انتظارات‌تان را پایین بیاورید. اگر غذا به خوشمزگی همیشه نیست، خانه نظم ندارد و نمی‌توانید به برنامه مورد علاقه‌تان برسید اهمیتی ندارد چون این تغییر ات محدود و موقت هستند.

به مرور زمان همه چیز به شکل عادی بر می‌گردد و شما هم از شرایط تازه چیزهای تازه‌ای یاد خواهید گرفت. شب‌های بی خوابی حالا برای شما بسیار طولانی و ناتمام به نظر می‌رسند، اما بالاخره تمام می‌شوند و روزهایی در آینده به همین روزهای خستگی فکر خواهید کرد و با خودتان خواهید گفت که « ارزشش را داشت».

دررفتن از زیر کار به سبک کودکانه

یکی از اهداف مهم تربیتی والدین این است که فرزندانی متعهد و مسئولیت پذیر تربیت کنند. حال این مسئولیت پذیری هم باید در قبال خود و هم در برابر سایر اعضای خانواده باشد. مثلاً کودک ما باید یاد بگیرد که در جمع کردن سفره، مرتب کردن خانه، مرتب کردن اتاق خود و ... به سایر اعضای خانواده کمک کند. در ازای انجام مسئولیت هم طبیعتاً نباید پاداش مادی در کار باشد، مثلاً اگر کودک خودش وسایلش را جمع کرد پاداش مادی بگیرد چون این کار انگیزه های درونی را در کودک کور می کند. در واقع او تصور می کند که برای انجام هر کاری هر چند کوچک باید پاداش بگیرد. کودک شما باید یاد بگیرد که به خانواده بدون قید و شرط کمک کند.

تبادل وظایف با کودک

حال اگر کودک این همراهی را نکرد چه؟ در این دست مواقع باید «تبادل وظایف» کرد. مثلاً وقتی کودک به مرتب کردن اتاق خود نمی پردازد مادر می تواند بگوید: ایرادی ندارد، من اتاق تو را مرتب می کنم اما چون مسئولیت های دیگری دارم، نمی توانم به آنها برسم پس امروز از نهار خبری نیست. دقیق برای فرزندتان شرح دهید که اگر مسئولیت های او را شما انجام دهید، به کدامیک از کارهایتان نمی رسید.

اما در مورد تکالیف مدرسه، مسأله کاملاً فرق می کند. تکالیف مدرسه مسئولیتی است که صرفاً خود کودک باید آن را انجام دهد و والدین فقط می توانند از فرزند خود پشتیبانی کنند.

فرزندانتان را مسئول کنید

کارهایی که شما می توانید برای پشتیبانی از فرزندتان انجام دهید این است که:

۱ – به تغذیه فرزندتان توجه داشته باشید. برنامه غذایی سالم و کامل ذهن و جسم فرزندتان را آماده می کند.

۲ – برای ورزش کردن فرزندتان برنامه ریزی داشته باشید. ورزش منظم خصوصاً وقتی به صورت خانوادگی باشد، در کاهش فشارهای روانی بسیار موثر است.

۳ – عزت نفس فرزندان را افزایش دهید. افزایش عزت نفس در کودکان منوط بر این است که کودکتان احساس مثبتی نسبت به خود داشته باشد. برای ایجاد این احساس مثبت همواره به کودکتان دلگرمی دهید. کودکانی که احساس مثبت بیشتری نسبت به خود دارند، در یادگیری بسیار موفق تر هستند.

۴ – به فرزندتان مسئولیت دهید. کودکانی که در خانه مسئولیت پذیر هستند و به آنها مسئولیت سپرده می شود، در انجام تکالیف مدرسه موفق تر هستند. برای انجام مسئولیت ها، به فرزندتان حق انتخاب دهید تا احساس قدرت کند.

۵ – با مسائل آموزشی کودکتان درگیر شوید. سعی کنید با معلم فرزندتان دائماً در تعامل باشید. هر از چند گاهی وضعیت تربیتی و انضباطی فرزندتان را از معاون و مدیر مدرسه جویا شوید. در انجمن اولیاء و مربیان حتماً سهیم بوده و نقش داشته باشید.

۶ – از تشویق و تنبیه خودداری کنید. به ازای انجام تکالیف مدرسه، فرزندتان را مورد تشویق مادی قرار ندهید چون او یاد می گیرد به جای تأکید بر یادگیری بر پول و مادیات تکیه کند.

در ازای کوتاهی های وی نیز، از تنبیه خصوصاً تنبیه بدنی و تخمیر خودداری کنید چون صرفاً جنگ قدرت به راه افتاده و فرزندتان از همکاری دست بر می دارد.

لذا سعی کنید:

– با فرزندتان صحبت کنید و به او حق انتخاب دهید مثلاً تکالیف را قبل از شام انجام می دهی یا بعد از شام؟

– برای انجام تکالیف مدرسه، مکان مشخصی را برای فرزندتان مهیا کنید. خانه را ساکت کنید، هر ازگاهی به او سر بزنید و حمایتش کنید.

– تا جایی که می توانید به اشکالات درسی او رسیدگی کنید و اگر خودتان ناتوان بودید حتماً از یک فرد مطلع کمک بگیرید.

– اجازه دهید فرزندتان پیامد بی نظمی را بچشد. مثلاً وقتی تکلیفش را انجام نداد و کوتاهی کرد، اجازه دهید به مدرسه برود و تبعات این قصور را ببیند.

– اگر همه تلاش ها را کردید ولی باز هم فرزندتان بی توجهی کرد عصبانی نشوید بلکه بگویید: «نمی توانم تو را مجبور به درس خواندن کنم سپس تصمیم گیری را به عهده خودت می‌گذارم.»

وارد جنگ قدرت نشوید در برابر این مساله خونسرد و آرام برخورد کنید.

برخی از بچه ها صرفاً می خواهند ناتوانی و ضعف خود را نشان دهند. این مساله به این دلیل است که کودک احساس ضعف و یأس می کنند.

بنابراین:

– با کمک معلم فرزندتان سعی کنید، ضعف‌های درسی اش را شناسایی و رفع کنید.

– بر نقاط قوت وی توجه خاص داشته و آنها را مورد تشویق قرار دهید.

– رابطه عاطفی خود با فرزندتان را اصلاح کنید. پناه عاطفی و روانی وی بوده و همواره به او دلگرمی دهید.